

شکست افغانستان در آئینه سیاست منطقه

ضعفی که در لباس قدرت عرضه می گردد تبدیل میهن عزیزما به گورستان آرزوها

ستراتژی ها بمنظور مشروعیت بخشیدن فلسفه وجودی دنیایی که در آن زندگی می نماییم، متعلق بهممه است جنگ بمثابه وحشتناک ترین اتفاق حیات انسان ها توهم افراطی و خوش باوری

بسیاری ها عوامل و فاکتورهایی چون جغرافیا، آب و هوا، منابع طبیعی و فرهنگ رابمثابه عواملی که ملت ها را به فقیروغنی تقسیم کنند، رد می نمایند. درعوض آنها نهادهای سیاسی و اقتصادی که برآمده از خود ملت ها میباشند را عامل پیشرفت اقتصادی می دانند. همچنان حکومت ها را بدو دسته مشارکتی و انحصاری تقسیم می نمایند. در حکومت های مشارکتی، نهاد های اقتصادی و سیاسی بجای اینکه مشارکت در امور اقتصادی را محدود به عده معدودی از خواص و سازمان های دولتی نمایند، باعث تشویق و ترغیب اکثر شهروندان به منظور مشارکت در امور اقتصادی می شوند. این امر مستلزم موجودیت قانون و ضوابط قوی در رابطه با حق مالکیت خصوصی، حاکمیت بیطرفانه قانون، خدمات همگانی با امکان تبادل و قراردادهای عادلانه، امکان ورود شرکت های جدید به بازار و دولتی که خواهان یا دارای قابلیت اجرای این شرایط و پیش نیازها باشد، است. در نقطه مقابل نهادهای مشارکتی، نهادهای اقتصادی انحصاری با بکار گرفتن امکانات و منابع اکثریت در خدمت منافع گروهی محدود و انگشت شمار قرار دارند. آنهایی که مدافع حق مالکیت می باشند و نه باعث ایجاد انگیزه بمنظور فعالیت های اقتصادی می شوند. درین حکومت ها آغاز کسب و کار جدید غیرممکنست، چرا که بازار بگونه انحصاری در دست دولت با نور چشمی ها خواهد بود.

درس آغاز بحث حاضر، یاددهانی این مسأله درخور اهمیت پنداشته میشود که واشنگتن با شتابزدگی در مورد جمعآوردن متحدان جدیدش، دست بدامن افراد و اشخاصی گردید که قبل از قدرت رسیدن "طالب" ها، شهروندان کشور عزیز ما را بوحشت و دهشت افکنده بودند، اما شکست افغانستان بویژه در چارچوب سیاست منطقوی با یکدوره طولانی مدت بی ثباتی، درگیری های مسلحانه و محیط پیچیده ژئوپولیتیکی مرتبط می باشد که بنحوی از انحا به کشورهای همجوار وکل منطقه تأثیر بسزایی بجا میگذارد. در این مورد، جنبه های کلیدی بگونه ذیل بایست متمع نظر قرار گیرد: بی ثباتی و امنیت: در این باره تذکر بعمل می آید که سقوط کابل در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی و بازگشت "طالب" ها بقدرت، منجر بشکل گیری بحران عمیق و گسترده، افزایش تهدیدهای تروریستی و وسعت تنش در منطقه گردید، در بخش مسایل امنیتی، از جمله وسعت و دامنه گیری عملکردهای تروریستی، به کشورهای همجوار مانند پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان و ایران نیز بنحوی تأثیر گذار بوده است. بحران بشری، بی ثباتی سیاسی، فروپاشی اقتصادی و بلایا و حوادث طبیعی منجر به بحران گسترده انسانی شده که در برگیرنده نه تنها افغانستان عزیزما، بلکه دامنگیر کلیه کشورهای همجوار گردیده و بویژه آنهایی را تحت تأثیر قرار داده که ناگزیر به میزبانی از پناهندگان می باشند. پیامدهای ژئوپولیتیکی: کشور عزیزما افغانستان، همواره بخش مهمی از بازی های ژئوپولیتیکی بوده که بی ثباتی در آن می تواند به تقویه، و وسعت نفوذ بازیگران منطقوی و بین المللی منجر گردیده و سبب سازشکل گیری درگیری ها و سرهم بندی تنش هایی گردد که از همین اکنون باید بمنظور جلوگیری از پیامدهای آن با اقداماتی مبادرت ورزید.

قاچاق مواد مخدر: متأسفانه کشور عزیز ما بمثابه یکی از بزرگترین تولیدکننده های مواد مخدر در جهان پنداشته می شود. بی ثباتی در اراضی متعلق بسرزمین کشور عزیز ما، سبب می گردد تا تولید و تجارت غیرقانونی مواد مخدر افزایش قابل ملاحظه ای حاصل نموده و بر کشورهای همجوار افغانستان و در مجموع، بر جامعه جهانی اثر بگذارد. در مورد موجودیت ضد و نفیض گویی ها و اختلافات میان کشورها بایست متذکر گردید که بمنظور حل و فصل معضلات موجود در کشور عزیز ما، در سطح منطقه، از مطرح گردیدن رویکردهای مختلفی بایست یاددهانی بعمل آورد که بنحو بی از انحاء میتواند منجر بشکل گیری اختلافات و درگیری هایی میان کشورهای علاقمند به چگونگی تثبیت وضعیت کشور گردد.

در مجموع و بمفهوم وسیع کلمه بایست متذکر گردید که شکست کشور عزیز ما افغانستان، بمثابه مشکل و معضل جدی برای امنیت و ثبات منطقوی محسوب می گردد که نیازمند تلاش های هماهنگ از جانب همه طرف های ذینفع و به منظور رسیدگی بموارد و مسایل بشردوستانه، مبارزه با تروریسم و جلوگیری از تشدید و وسعت بیشتر درگیری ها می باشد.

در نیشته حاضر، معضلات و تهدیدهای اصلی و عمده امنیتی کشورهای منطقه آسیای مرکزی، مورد مطالعه و بررسی قرار داده شده و همچنان از مواضع و منافع آنها در زمینه چگونگی وضعیت در میهن عزیز ما افغانستان نیز تذکراتی بعمل آمده است. اهمیت مسأله متذکره درین امر نهفته می باشد که درگیری هایی در اراضی و قلمرو مربوط بکشور ما هنوز هم موجود بوده و بگونه ای، تهدیدهایی را برای امنیت کشورهای آسیای مرکزی بوجود خواهد آورد. همچنان در لابلای نیشته ای که همین اکنون آنرا مطالعه می نمائید، بویژگی های روابط و مناسبات دوجانبه کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان، بویژه در امر تأمین امنیت منطقوی و استقرار صلح دوامدار در سرزمین پلاکشیده ما اختصاص داده شده است. روش های مقایسوی و تحلیلی، این امکان را میسر می نماید تا شباهت ها و تفاوت های موجود در رویکرد کشورهای آسیای مرکزی را در باره حل و فصل کامل و قطعی منازعه موجود شهروندان افغان مشخص نمود. در زمینه یادشده، بویژه درباره روابط و مناسبات دوجانبه کشورهای منطقه و در مورد منافع ملی آنها با موجو دیت افغانستان با ثبات و پیشنهادات در مورد یادشده، تحلیل و موشگافی گردیده است. چگونگی موجودیت عوامل و فاکتورهای بی ثباتی و همچنین منافع متقابل در امر روابط و مناسبات دوجانبه و منافع کشورهای آسیای مرکزی در میهن عزیز ما مورد بررسی و مطالعه قرار داده شده است.

قابل یاددهانی پنداشته میشود که پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری های قبلی هم پیمان آن با معضلات جدی بویژه در بخش تغییر اقتصاد در حوزه های اجتماعی، چگونگی ایجاد و پایه گذاری سیستم های امنیتی خویش، آنهم در سطوح مختلف نظامی، اقتصادی، فناوری، اطلاعاتی، زیست محیطی و غیره مواجه گردیدند.

تهدیدهای جهانی سال هاست که در سطح بین المللی حل و فصل می گردند. دولت های آسیای مرکزی با استفاده از امکانات و ظرفیت های سازمان های بین المللی بمنظور حل و فصل قضایای امنیتی کشور ما باید استفاده بعمل آورده و همچنان دیالوگ سازنده را در زمینه آغاز نموده و هماهنگی های لازم را میان خود افزایش بخشند. دول کشورهای آسیای مرکزی بگونه مستقلانه دارای توانایی های بیشماری بمنظور تأثیر گذاری و اثربخشی بر فرآیندهای موجود در کشور عزیز ما نمی باشند. یکی از جمله موانع بر سر راه مشارکت مثبت آنها، عدم اعتماد متقابل و نبود همکاری در منطقه بر شمرده شده و بعلاوه، محدود شدن دولت های کشورهای آسیای مرکزی بمسایل داخلی و موقعیت پیچیده جغرافیایی آنها و رقابت های درون منطقوی، سبب ساز جلب توجه قدرت های جهانی و سازمان های بین المللی به منظور حل و فصل قضایای موجود در منطقه یادشده گردیده است.

در مورد روابط و مناسبات دوجانبه افغانستان با دول کشورهای آسیای مرکزی، قیل از همه بایست متذکر گردید که کار شناسان و دست اندرکاران امور بین المللی، درگیری های مسلحانه در از مدت در افغانستان را عمدتاً ناشی از ترکیب عواملی می پندارند که در برگیرنده فاکتورهای ذیل می باشد: شکست تمرکز سیاسی، عدم موفقیت در ایجاد و پایه گذاری دولت بمفهوم عام کلمه، چگونگی تقسیمات قومی، مذهبی و قبیلی و در نهایت امر مداخلات قوت های خارجی. یاددهانی بعمل می آید که در آستانه درگیری های مسلحانه، در ابتدای امر، عملیات جنگی تحت رهبری ایالات متحده و پس از آن، بر رهبری پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) انجام داده می شد. دول آسیای مرکزی در قبال کشور ما نگرش دوگانه ای داشتند. از یکجانب آنها نگران بالقوه بی ثباتی داخلی کشور ما بودند که در امتداد سال ۱۳۹۸ خورشیدی، "جنبش اسلامی ازبکستان"، در قبال کشورهای تاجیکستان و قرغیزستان حملات و یورش هایی را سازماندهی و اجرا نموده و از جانب دیگر، کشور ترکمنستان و بنحوی هم ازبکستان بدنبال فرصت هایی بمنظور حل و فصل مسایل

موجود با حاکمیت "طالب"ها در کشور ما بوده سعی بعمل آوردند تا از تثبیت موقعیت سیاسی - اجتماعی افغانستان و از ساخت و ساز لوله انتقال گاز به بازارهای آسیای جنوبی بهره اقتصادی نصیب گردند.

اما درباره تأمین نظم در وضعیت اجتماعی افغانستان، لازمی بنظر می رسد تا موقف و چگونگی موضعگیری های کشورهای آسیای مرکزی، مورد بررسی همه جانبه قرار داده شود. بگونه نمونه، کشور قزاقستان با افغانستان دارای مرز مشترک نبوده و بهمین دلیل در مقایسه با سایر کشورهای آسیای مرکزی، در قبال تهدید های امنیتی و معضلات ناشی از وضعیت کشور ما، کمتر آسیب پذیر میباشد. نبود هویت مشترک قومی میان شهروندان افغانستان و قزاقستان، این امکان و فرصت را برای دول کشورهای آسیای مرکزی فراهم و مساعد نمود تا بگونه آرامتر و کمتر جانبدارانه، در قبال قضایای کشور ما دآوری نمایند. با اینحال، با وجود عدم موجودیت مرز مشترک با میهن ما، کشور قزاقستان تنها کشوری در آسیای مرکزی میباشد که برنامه های کمکی اش را که شامل برنامه های مرتبط به تأمین آب مورد نیاز، توسعه زیربنا و تأمین مواد ساختمانی می باشد، از سال ۱۳۸۶ خورشیدی بدینسو، همچنان ادامه داده است. کشور قزاقستان معتقد است که صرف بشرط تضمین توسعه پایدار و حل و فصل قضایای کنونی افغانستان، جلوگیری از گسترش تروریسم و محدود نمودن قاعده بنیادگرایی مذهبی، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و...، امکان پذیر می باشد. جامعه جهانی و سازمان ملل، کمک های عمده ای را عمدتاً بمنظور تداوم همکاری های شان با افغانستان و همچنان معاونت های اقتصادی قابل توجهی بویژه در زمینه ساخت و ساز اجتماعی و تأسیسات صنعتی در کشور ما را نیز فراهم می نمایند. علاوه بر آن، کشور قزاقستان عضو بسیاری از سازمان هایی چون "شانگهای" و "سازمان امنیت جمعی" نیز می باشد که در سازمان های یاد شده، مسایل حل و فصل وضعیت در کشور ما مورد بحث و گفتگو قرار داده میشود. قزاقستان همچنان عضو گروه کاری در وزارت امور خارجه سازمان پیمان امنیت دستجمعی و عضو گروه تماس به منظور تعامل و هماهنگی تلاش های سازمان های یاد شده در برنامه های بازسازی کشور ما بویژه در چارچوب کنفرانس تاشکند که در امتداد ماه حوت سال ۱۳۹۷ خورشیدی گشایش یافت، نیز عضو می باشد.

قزاقستان همچنان فعالیتهای و عملکردهای مستقلی را بمنظور ارتقای سطح زندگی و تأسیس زیرساخت های کشور ما انجام می دهد. همه ساله کمک ها و معاونت های بشردوستانه ایرا که در برگیرنده تأمین مواد غذایی و کالاهای مورد ضرورت شهروندان کشور ما می باشد، ارائه می نماید. همچنان برنامه های آموزشی برای دانشجویان افغان در دانشگاه های قزاقستان در حال اجرا می باشد. علاوه بر اینهمه، با کمک ها و استفاده از منابع کشور قزاقستان، برنامه های اعمار مدارس، بیمارستان ها و جاده ها در کشور ما در شرف تکوین می باشد.

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که کشور قرغیزستان نیز با کشور ما مرز مشترکی ندارد. برین بنیاد، با وجود آنکه کشور اخیر الذکر باندازه و بمعیار کشور ما در معرض تهدیدها قرار ندارد، اما با وجود آنهم بگونه کاملی از آن در قبال حملات و تهاجمات "حرکت اسلامی ازبکستان" محافظت بعمل نمیآید، چه، حرکت یاد شده، بویژه در امتداد سال های ۱۳۷۸ - ۱۳۸۸ خورشیدی به مناطق جنوبی قرغیزستان به سازماندهی و اجرای خرابکاری های مبادرت ورزید. اوضاع و چگونگی وضعیت در کشور عزیز ما افغانستان، در نوع خویش یکی از پیچیده ترین مشکلات بین المللی بو یژه برای کشور قرغیزستان محسوب می گردد. در واقعیت امر و در نهایت، عوامل عمده و اساسی موجود که چگونگی وضعیت در کشور ما را تعیین نموده و می تواند بر آینده کل منطقه تأثیر گذار باشد. عوامل یاد شده در برگیرنده تولید و قاچاق مواد مخدر و موجودیت تروریسم در کشور ما و... می باشد.

اما تاجیکستان با کشور عزیز ما افغانستان دارای مرز مشترکی بطول ۱۳۴۴ کیلومتر می باشد. بر همین بنیاد، می توان آنرا بمثابة یکی از جمله کشورهای آسیای مرکزی پنداشت که در قبال ناپایداری های موجود در کشور ما، بیشتر از دیگران آسیب پذیر می باشد. هموطنان تاجیک در کشور عزیز ما افغانستان، بیش از یک چهارم شهروندان کشور را تشکیل می دهند، تعداد مجموعی آنها به ۸ میلیون تن تخمین گردیده که برین بنیاد، پس از هموطنان پښتون ما بزرگترین گروه قومی کشور را تشکیل می دهند. دوشنبه امیدوار است تا از برنامه کاسا ۱۰۰۰ که عمدتاً بمنظور صدور انرژی هیدروالکتریک اضافی به تاجیکستان و قرغیزستان به افغانستان و پاکستان طراحی شده است، بهره برداری نماید.

کشور ترکمنستان که با وطن عزیز ما دارای مرزی بطول ۷۰۰ کیلومتر می باشد، تنها کشور آسیای مرکزی بود که بگونه رسمی هرگونه تهدید وارده از کشور ما را منتفی دانست. در ملاقات و مذاکرات میان سران دول کشور های آسیای مرکزی و روسیه بتاريخ ۱۳ ماه میزان سال ۱۳۷۵ خورشیدی، رئیس جمهور ترکمنستان اعلام نمود که "ترکمنستان بمثابة کشور بیطرف، قصد ندارد در ملاقات و مذاکرات اینچنینی شرکت نماید."

هرچند کشور ازبکستان با کشور عزیزما دارای مرز نسبتن کوتاه ۲۱۰ کیلومتری می باشد، اما از امکانات قابل توجهی بمنظور حفاظت از مرزها نیز برخوردار می باشد. با وجود اینهمه، بصورت بین المللی، نگرانی های خویش را بویژه در مورد تهدیدهای امنیتی وارده از افغانستان اعلام کرده است. دولت ازبکستان بویژه نگران فعالیت ها و عملکردهایی است که به هدف تبدیل نمودن ازبکستان به "خلافت اسلامی" می باشد. وزارت امور خارجه ازبکستان مدعی گردید که بی ثباتی در افغانستان، بویژه در دهه ۱۹۶۳ خورشیدی به پیدایش منابع همیشگی تهدیدها و معضلات در آسیای مرکزی، از جمله به عرض اندام نمودن تروریسم مذهبی، قاچاق مواد مخدرو تجارت غیرقانونی سلاح منجر گردید، بنابراین تاشکند بدلائل عدیده ای به تحکیم ثبات در کشورما علاقمند بوده و آرزومند توسعه منابع نفت و گاز و استخراج فلزات مفید در افغانستان می باشد.

بدین ترتیب، بوضوح بمشاهده می رسد که کشورهای ازبکستان و قزاقستان، در مجموعه کشورهای آسیای مرکزی بمثابة لوکوموتیو حل و فصل چگونگی وضعیت در کشور عزیزما افغانستان پنداشته می شوند. قزاقستان بعنوان کشور ری که از نقطه نظر اقتصادی پیشرفته تر است، در تمامی زمینه ها بکشور عزیزما کمک های مالی، معاونت های بشری دوستانه و همچنان در امر توسعه و انکشاف در حوزه آموزش را عرضه می نماید.

کشورهای یادشده، هرکدام بنوبه خویش حمایت های لازمی و ضروری بکشورما انجام می دهند. از طریق تداوم مناسبات اقتصادی، بگونه نمونه تاجیکستان بکشورما انرژی برق صادر می نماید. ترکمنستان امکانات امتداد خط لوله گاز "تاپی" را پیش می برد و بر همین بنیاد، میهن عزیزما را بمثابة یک کشور ترانزیتی می پندارد که می تواند منابع مالی بزرگی را نیز نصیب گردد.

کشور قرغیزستان در امر بهبود اوضاع در کشورما، بمعیار اندکی سهم می ورزد. کشور یادشده با حاکمیت "طالب"ها تماس مستقیم نداشته، بلکه بیشترین فعالیت های آن در قالب سازمان همکاری های شانگهای و سازمان امنیت جمعی صورت عملی بخود اختیار می نماید.

یکشنبه ۲۲ ماه سرطان سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۱۳ ماه جولای سال ۲۰۲۵ ترسایی